

کاهش سود اعتبارات بانکی با تداوم اصلاحات ساختاری مؤثر خواهد بود

اشاره:

در نظام‌های اقتصادی مبتنی بر بازار، نرخ سود و اعتبارات بانکی ابزار مناسبی برای کنترل و هدایت نقدینگی جامعه به سوی فعالیت‌های اقتصادی است. در واقع میزان نرخ سود اعتبارات می‌تواند اهداف سیاست‌های پولی (انقباضی یا انبساطی) و برنامه تثبیت اقتصادی به ویژه تورم‌زدایی را محقق سازد، یا آنکه برخلاف آن عمل کند.

در اقتصادهای در حال توسعه نظیر ایران که در سال‌های گذشته با کسری بودجه بخش عمومی مواجه بوده و استقرار از نظام بانکی به عنوان ابزاری برای تأمین این کسری تلقی و استفاده شده است، جریان نقدینگی یا به عبارت بهتر پایه پولی از رشدی نامتناسب با رشد تولید ملی برخوردار شده و فشارهای تورمی افزایش یافته است. وجود نرخ تورم دورقمی خودبه‌خود پذیرش نرخ‌های بالاتر سود اعتبارات بانکی را توجیه نموده و هدایت پس‌اندازها به سوی نظام بانکی را سبب شده است. اما نرخ سود بالای اعتبارات بانکی خود هزینه‌های سرمایه‌گذاری را افزایش داده و اثر منفی بر روند سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی مولد دارد. در این مقاله به بررسی آثار کاهش نرخ سود اعتبارات بانکی بر فعالیت‌های اقتصادی می‌پردازیم.

ژوئیه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مالی از یکدیگر خود می‌تواند اثربخشی هر یک از آنها را تحت تأثیر قرار دهد و چه بسا غلبه تأثیر یکی بر اقتصاد ملی نسبت به دیگری آثار زیانباری به وجود آورد.

به طور کلی سیاست‌های پولی، مالی و ارزی در جریان اصلاح ساختار اقتصادی می‌باید همسو، هماهنگ و متعادل و متناسب با یکدیگر پیش روند تا بتواند روند اصلاحات را استحکام و قوت بخشد.

این موضوع که وزارت امور اقتصادی و دارایی نقش تعیین کننده در شکل‌دهی، سامان‌بخشی و تدوین سیاست‌های پولی، مالی و ارزی کشور به دست آورده است، جای بسی تقدیر دارد.

از آنجا که این وزارتخانه می‌تواند تعادل لازم میان سیاست‌های پولی و مالی کشور ایفا کند، نقطه امیدوارکننده است، زیرا که مجزا دیدن آثار سیاست‌های پولی، ارزی و

سیاست پولی در ایران پیش از این در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و در چند ماه گذشته در وزارت امور اقتصادی و دارایی تدوین و به هیأت وزیران تسلیم و تصویب شده است.

شورای عالی پول و اعتبار در تعیین نرخ سود اعتبارات بانکی نقش کلیدی ایفا می‌کند که ابزار مؤثر در پیشبرد سیاست پولی است.

اعتبارات بانکی بر مبنای توجیه فعالیت‌های اقتصادی هدایت شود یا آنکه به صورت تسهیلات تکلیفی و بدون توجه به توجیه‌پذیری طرح‌های سرمایه‌گذاری اختصاص پیدا کند.

در اقتصاد ایران که سهم دولت و شرکت‌های وابسته به آن در فعالیت‌های اقتصادی در سطح بسیار بالایی است و تسهیلات تکلیفی بخشی از منابع بانک‌ها را جذب می‌کند. کاربرد سیاست پولی اثربخشی واقعی خود را تا حدودی از دست داده است. البته حرکتی که در راستای برنامه سوم توسعه اقتصادی کشور در خصوص کاهش تصدی دولت و نیز تسهیلات تکلیفی آغاز شده، نقطه امیدبخش این بحث است که می‌تواند به اثربخشی سیاست پولی کمک بسزایی داشته باشد.

برای اقتصاد ایران که از کمبود سرمایه‌گذاری و کارایی پایین عوامل تولید از جمله سرمایه رنج می‌برد، رونق بخشی به سرمایه‌گذاری‌های مولد به ویژه از نوع صادرات‌گرا نه تنها کمک بسزایی به پویایی رشد اقتصادی خواهد داشت، بلکه در درمان معضل بیکاری که با رشد جمعیت جوان روزبه‌روز در حال گسترش است، یاری خواهد رساند.

با این وصف، کاهش نرخ سود اعتبارات بانکی در کنار انضباط مالی دولت می‌تواند آثار مثبت اقتصادی بیجا گذارد، همچنان‌که دست‌اندرکاران بخش‌های صنعت و معدن از کاهش یک درصدی سود

بالاتر را برای سرمایه‌گذاری گزینش می‌نماید. این یک ارزیابی عقلایی اقتصادی است. بنابراین افزایش نرخ سود بانکی گرچه به تورم‌زدایی در اقتصاد ملی کمک می‌کند که اثر مثبت در توجیه سرمایه‌گذار دارد. اما خود هزینه سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد و اثر منفی بر آن دارد.

کارشناسان اقتصادی، افزایش نرخ سود بانکی در شرایطی که پایه پولی و جریان نقدینگی به سرعت در حال افزایش است را پذیرا هستند. اما در مقابل تأکید دارند که انضباط مالی دولت (کاهش کسری بودجه) خود عاملی برای تورم‌زدایی است که نیاز به افزایش نرخ سود بانکی را تقلیل می‌دهد و همواره اثربخشی درخور توجیهی بر روند اقتصاد کشور دارد.

به عقیده کارشناسان، افزایش نرخ سود اعتبارات بانکی در شرایطی که رکود فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری مشاهده می‌شود، دوران رکود را طولانی‌تر می‌سازد و از این جهت آثار زیان‌باری دارد. در مقابل برای رونق بخشی به فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری، کاهش سود اعتبارات بانکی می‌تواند مؤثر باشد و پیشروی به سوی سیاست پولی انبساطی می‌تواند آثار رکود را از بین برده و به رونق و رشد اقتصادی کمک می‌کند.

اما نکته درخور توجه در این بحث، سهم دولت و شرکت‌های دولتی در اقتصاد ملی است و این که

در تعریف سیاست پولی، مجموعه راهبردهای اتخاذ شده برای تنظیم بازار پول و سرمایه مورد توجه می‌باشد. در اقتصادهای مبتنی بر بازار، عمده‌ترین ابزار سیاست پولی، نرخ بهره یا نرخ سود اعتبارات بانکی است که اثر تعیین‌کننده بر جریان نقدینگی و هدایت سرمایه‌گذاری به بخش‌های مختلف اقتصادی دارد.

به طور کلی افزایش نرخ سود اعتبارات بانکی در جریان اجرای سیاست پولی انقباضی با هدف تورم‌زدایی و هدایت نقدینگی به سوی بانک‌ها اعمال می‌شود. با افزایش نرخ سود بانکی، پس‌انداز بیشتری به نظام بانکی جذب می‌شود و با کاهش پایه پولی، میزان تورم به تدریج تنزل یافته و تورم‌زدایی در اقتصاد ملی عمل می‌شود. چنانچه جریان سالم اقتصادی در جامعه حکمفرما باشد، افزایش سود بانکی گرچه موجبات جذب نقدینگی را فراهم می‌کند، اما بر جریان سرمایه‌گذاری اثر منفی دارد.

سود تسهیلات بانکی همواره به مثابه یک هزینه بر سرمایه‌گذار تحمیل می‌شود و هر اندازه که این هزینه افزایش یابد، توجیه اقتصادی طرح‌های سرمایه‌گذاری دشوارتر و پیچیده‌تر خواهد شد، تا حایی که ممکن است بسیاری از طرح‌ها صرفه اقتصادی برای اجرا نداشته باشد. سرمایه‌گذار مجموعه فرصت‌های سرمایه‌گذاری در اقتصاد را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و بخش‌های دارای سوددهی و بازده اقتصادی

اعتبارات بانکی در سال جاری استقبال کرده‌اند.

اما مقایسه نرخ‌های سود اعتبارات بانکی در ایران با بانک‌های خارجی در شرایطی که اقتصاد منی قصد ادغام در اقتصاد جهانی و تقویت بنیه رقابت دارد، درخور توجه است. اگرچه برخی مسؤولان از جمله رئیس کل بانک مرکزی در این مقایسه همواره بر میزان تورم تأکید دارند، لیکن این مقایسه از دید متقاضیان سرمایه غیر قابل دفاع است.

در حال حاضر نرخ بهره «لیبور» (نرخ بهره بین بانکی در لندن) که شاخص نرخ بهره در بازار بین‌المللی سرمایه است، در کمترین حد ظرف دو دهه اخیر قرار دارد و در حدود ۱/۲ درصد است. از آنجا که سرمایه‌گذاران بین‌المللی به اعتبارات بانکی با نرخ ۳ تا ۴ درصد بهره سالانه دسترسی دارند، به سهولت می‌توانند از منابع ارزان قیمت برای رونق فعالیت‌های اقتصادی خود بهره ببرند و قدرت رقابت محصولات و خدمات عرضه شده از سوی آنها در بازارهای جهانی افزایش می‌یابد، زیرا نرخ بهره مانند دیگر عوامل تولید، هزینه‌ای است که سرمایه‌گذار برای تأمین مالی پرداخت می‌کند و هر اندازه این هزینه تنزل یابد، به رشد قدرت رقابت او در بازار کمک خواهد کرد و اثر مستقیم بر کاهش قیمت تمام شده کالا یا خدمتی که ارائه می‌کند، دارد.

با وجود آنکه میانگین میزان تورم در کشورهای صنعتی و تازه صنعتی

شده کمتر از ۵ درصد است. نرخ‌های بهره پایین به نفع تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات است. اما در ایران میزان تورم در حدود ۱۲ درصد (در دو سال گذشته) و میانگین نرخ سود اعتبارات بانکی در حدود ۱۸ درصد بوده است.

اختلاف میان نرخ سود و اعتبارات بانکی و میزان تورم در اقتصاد ایران حتی نسبت به اقتصاد کشورهای همسایه بیشتر است و در همین حال، با نرخ‌های بهره متداول در بازار بین‌المللی سرمایه با میانگین تورم کشورهای پیشرو در صادرات، اختلاف فاحش دارد. با این وصف هزینه تأمین مالی اعتبارات موردنیاز برای توسعه سرمایه‌گذاری در ایران، به بیش از سه برابر کشورهای رقیب می‌رسد. از این جهت اقتصاد ملی نمی‌تواند در جهت تقویت بنیه رقابت گام اساسی بردارد.

با این حال، باید توجه داشت که کاهش نرخ سود اعتبارات بانکی می‌تواند عاملی برای خروج پس‌اندازها از نظام بانکی کشور باشد. به ویژه آنکه فعالیت‌های دلالی و سوداگرانه و نیز تجارت خارجی (به ویژه واردات) سود سرشاری دارد و می‌تواند جریان نقدینگی را به خود بخواند. بنابراین پذیرش کاهش تدریجی سود اعتبارات بانکی متوازن و متناسب با تنزل فشارهای تورمی برای بسیاری از اقتصاددانان و دست‌اندرکاران بخش‌های مولد اقتصادی، قابل قبول است.

اما کارشناسان تأکید دارند که پیگیری اصلاحات ساختاری به ویژه در بخش‌های انضباط مالی دولت و کنترل کسری بودجه عمومی، تورم‌زدایی، همسویی سیاست‌های مالی با سیاست‌های پولی و ارائه تشویق‌های مناسب به سرمایه‌گذاران در بخش‌های مولد و صادرات‌گرا، حذف کامل تسهیلات تکلیفی و آزادسازی بانک‌ها در تخصیص اعتبارات به فعالیت‌های دارای بالاترین بازده اقتصادی و... می‌تواند روند کاهش نرخ سود اعتبارات بانکی را تقویت و در جهت رونق اقتصاد ملی هدایت کند.

با وجود استقبال دست‌اندرکاران بخش‌های تولیدی از کاهش یک درصدی نرخ سود اعتبارات بانکی، آنها تأکید دارند که روند نزولی می‌بایست همسو و هم‌تراز با دیگر اصلاحات ساختاری، به سرعت تقویت شود تا آن که نرخ سود اعتبارات بانکی در ایران در پایان برنامه سوم به نرخ‌های متداول در بازارهای بین‌المللی سرمایه نزدیک شود. در این روند، تورم‌زدایی در اقتصاد کشور بسیار ضروری است. زیرا که تفاوت فاحش میان نرخ سود اعتبارات بانکی و میزان تورم ممکن است خروج سرمایه از بانک‌ها را موجب شود.

به عقیده برخی دست‌اندرکاران صنعت، مبارزه جدی با فسادهای اقتصادی و اداری، انحصارطلبی و رانت‌خواهی می‌تواند به اثرگذاری عمیق‌تر سیاست پولی کمک

منابع بانک‌های خارجی که نرخ بهره پایینی دارد، اقدامی مؤثر خواهد بود که از یک سو توجیه‌پذیری اقتصادی طرح‌های سرمایه‌گذاری را تقویت می‌کند و از سوی دیگر تقاضا برای دریافت اعتبارات از بانک‌های داخلی را متعادل می‌سازد.

کارشناسان عقیده دارند، برای سرمایه‌گذارانی که بتوانند موافقت بانک‌های خارجی را برای دریافت تسهیلات جلب کنند، می‌بایست راه باز شود. این امر به رونق سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا کمک خواهد کرد، زیرا که صاحبان صنایع ناگزیر به پرداخت ارزی اقساط دیون خود خواهند بود.

در این شرایط، آنها به مشارکت خارجی نیز رغبت بیشتری نشان خواهند داد و این امر به تقویت بنیه رقابت اقتصاد ملی و بهره‌گیری روزافزون از استعدادها و توانمندی‌های بالقوه و بالفعل و نیز مزیت‌های نسبی اقتصاد کشور کمک می‌کند.

در نهایت باید متذکر شد که روند کاهش نرخ سود و اعتبارات بانکی چنانچه اصلاحات اقتصادی در دیگر زمینه‌ها به ویژه تورم‌زدایی با شدت و حدت دنبال نشود، تداوم پیدا نخواهد کرد و روند سرمایه‌گذاری را رونق جدی مواجه نمی‌گردد.

خواهد شد. در این حال ارزیابی مجدد شرکت‌ها کار را به جای نخواهد رساند. زیرا که این باور عمومی وجود دارد که بسیاری از واحدهای صنعتی بدهکار به بانک‌ها نیاز به نوسازی و تجدید ساختار دارند.

چنانچه این واحدها به ورشکستگی برسند، سیستم بانکی با دارایی‌هایی روبه‌رو خواهد بود که بازده اقتصادی درخور توجهی ندارند. از سوی دیگر در سال‌های اخیر همه تلاش‌ها برای گسترش و تعمیق خصوصی‌سازی با واگذاری شرکت‌های تحت تصدی بانک‌ها نیز همراه بوده است. گرچه روند خصوصی‌سازی از شتاب کافی برخوردار نبوده، اما مصدوره واحدهای صنعتی از سوی بانک‌ها، مشکلی را حل نخواهد کرد.

بنابراین بانک‌ها برای حفظ بقای خود نیازمند مصالحه‌های جدید با بدهکاران هستند. مصالحه‌ای که می‌تواند به تقویت بنیه واحدهای صنعتی و پرداخت وام‌های اخذ شده در سنوات گذشته بیانجامد و روند بازگشت پول به بانک‌ها برای اعتباردهی در آینده را تقویت کند.

در همین حال بانک‌ها در اعطای اعتبارات می‌بایست با دقت بیشتر بازده اقتصادی سرمایه‌گذاری‌ها را بررسی کنند و در تخصیص اعتبارات دچار اشتباه‌های گذشته و یا تکالیف غیرمنطقی نشوند.

به عقیده برخی کارشناسان، آزادسازی دسترسی سرمایه‌گذاران به

شایسته‌ای داشته باشد. ریسر این عوامل بر بازار سرمایه اثرگذار است و فعالان در این زمینه‌ها. همواره حاضر هستند که سود بالاتری برای کسب منابع بیشتر به پس‌اندازکنندگان ارایه کنند.

این امر سبب می‌شود که همواره یک بازار سیاه در کنار بازار رسمی سرمایه کشور حضور داشته و رقیب جدی آن باشد. خروج پس‌اندازها از نظام بانکی به معنای افت وجوه در اختیار بانک‌ها برای پاسخگویی به تقاضای سرمایه‌گذاری است. با وجود آنکه برخی دست‌اندرکاران بخش‌های مولد اقتصادی به تجهیز و ساماندهی بازار سرمایه و کاهش اتکای صرف به منابع بانک‌ها تأکید دارند، اما هنوز بازار سرمایه به نحوی که در کشورهای صنعتی فعال است، در ایران وجود ندارد و کماکان سرمایه‌گذاران، صاحبان صنایع و... به منابع بانک‌ها نیاز جدی دارند.

در همین حال توجه ویژه به قدرت بازپرداخت وام‌گیرندگان در سنوات گذشته الزامی است. بسیاری از دریافت کنندگان اعتبارات (حتی تسهیلات تکلیفی) قادر به بازپرداخت اقساط بدهی خود نمی‌باشند و این زنگ خطری برای نظام بانکی و بازار سرمایه کشور است.

هنوز بانکداری دولتی، بانکداری غالب در کشور است و چنانچه منابع خارج شده از بانک‌ها (به صورت وام به متقاضیان سرمایه‌گذاری) به بانک‌ها عودت داده نشود، تراز بانک‌ها دچار آشفتگی شدیدی